

درنگی در تذکرةالتواریخ

اکبر نحوی^۱

چکیده

تذکرةالتواریخ نوشته عبدالله کابلی مشتمل بر تاریخ انبیا، تذکرة اولیاء، تذکرة شعرا و موادالتواریخ است و بخش اعظم آن به عین عبارات از منابع شناخته شده و در دسترس اقتباس شده است. اما نکته بسیار نظرگیر این کتاب در آن است که نویسنده در زندگینامه هر یک از اشخاص تاریخ دقیق وفات و احیاناً تولد او را به روز و ماه و سال به دست داده است؛ چیزی که به ندرت در تذکرةهای فارسی و حتی کتابهای رجال دیده می شود. در این مقاله کوشش شده است تا میزان صحت و سقم این تواریخ روشن شود و پس از رجوع به منابع معتبر نشان داده شده است که این تاریخها به کلی ساختگی و تذکرةالتواریخ آکنده از جعلیات مؤلف آن است و مطلقاً قابل اعتماد نیست.

کلیدواژه‌ها: تذکرةالتواریخ، عبدالله کابلی، تذکرة، تذکرة نویسی، هند.

سرزمین هند و پاکستان از کانونهای مهم و در واقع مهم ترین کانون تذکرة نویسی فارسی است. در فاصله زمانی قرن هفتم که عوفی *لباب الالباب* را در لاهور نوشت تا میانه قرن چهاردهم که دینشاه ایرانی، *سخنوران دوران پهلوی* را نوشت، دهها تذکرة دیگر در این خطه تألیف شده است که فارغ از کیفیت آنها، به جهت حفظ نام

۱. دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز / akbar.nahvi@yahoo.com

هزاران شاعر فارسی‌گوی و مقداری از اشعارشان بسیار ارزشمندند. یکی از تذکره‌های کمتر شناخته شده حتی در فهرست خاص تذکره‌ها (نقوی ۱۳۴۳؛ گلچین معانی ۱۳۴۸) ذکری از آن نیست؛ تذکره‌التواریخ نوشته عبدالله کابلی است که در اوایل قرن یازدهم، تألیف و به اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ق) پادشاه گورکانی هند اتحاف شده است. تذکره‌التواریخ به تازگی به همت علیرضا قوجه‌زاده در سلسله انتشارات مجلس شورای اسلامی به چاپ رسیده است.

مطالب تذکره‌التواریخ آمیخته‌ای از تاریخ انبیا، تذکره اولیا، تذکره شعرا و موادالتواریخ است. البته تذکره نه به معنی متعارف آن که نویسنده ضمن معرفی یک شاعر مقداری از اشعار او را نقل کند، بلکه در این کتاب اغلب به معرفی افراد اکتفا شده و غایت مقصود نویسنده چنان‌که از نام کتاب نیز برمی‌آید، به دست دادن «تواریخ» بوده است، یعنی تاریخ وفات و احیاناً تاریخ تولد تراجم کتاب خود.

تذکره‌التواریخ در شش طبقه بدین قرار تنظیم شده است: طبقه اول: در ذکر تواریخ انبیا؛ طبقه دوم: در ذکر تواریخ صحابه و اولیا و مشایخ کرام و علمای عظام؛ طبقه سوم: در ذکر تواریخ فضلا و شعرای ذوی الاحترام؛ طبقه چهارم: در ذکر تواریخ سلاطین و امرای عظام؛ طبقه پنجم: در ذکر تاریخ سال ولادت... جلال‌الدین اکبرشاه و شاهزاده‌های نامدار و امرزادگان با اعتبار و فتح قلاع و تواریخ متفرقه؛ طبقه ششم: در ذکر تاریخ سال اتمام مساجد و مدارس و کتب و قلاع و...

چیزی که تذکره‌التواریخ را از کتابهای مشابه متمایز می‌کند، ذکر تاریخ دقیق وفات صاحبان ترجمه به روز و ماه و سال است، نکته‌ای که کمتر در تذکره‌ها و حتی کتابهای رجال دیده می‌شود. برای نمونه در همه مأخذ معتبر گفته‌اند که معروف کرخی در سال ۲۰۰ یا ۲۰۴ درگذشت^۱ اما کابلی (تذکره، ص ۱۰۱) که از وجنات

۱ از جمله: مالینی (کتاب الاربعین، ص ۸۱)، خطیب بغدادی (تاریخ، ج ۱۳، ص ۲۰۸)، ابی‌یعلی (طبقات، ج ۱، ص ۲۸۹)، سمعانی (انساب، ج ۵، ص ۵۱).

نوشته‌اش پیداست که زندگینامه کرخی را از روی *نفحات الانس جامی* (ص ۳۵) نوشته است، می‌گوید کرخی روز پنجشنبه اول ماه رجب سال ۲۰۰ درگذشت. یا اگر دولت‌شاه سمرقندی (تذکره، ص ۸۹) می‌گوید *ظهیرالدین فاریابی* در «شهور سنة ۵۹۸» درگذشت، کابلی (ص ۲۶۰) که شرح احوال او را به عین عبارات از *تذکرة الشعرا* برگرفته است، می‌گوید *ظهیرالدین* روز سه‌شنبه دوازدهم شوال ۵۹۸ درگذشت. موضوع به همین جا ختم نمی‌شود، بلکه شاعرانی هم که تاریخ وفاتشان معلوم نیست و حتی تذکره‌نگارانی که قریب به عصر آنان می‌زیسته‌اند از آن بی‌اطلاع بوده‌اند، در این کتاب نه تنها سال وفات آنان که روز و ماه آن نیز مشخص شده است. این نکته‌هاست که خواننده را به تأمل وامی‌دارد و از خود می‌پرسد که نویسنده ما در اوایل قرن یازدهم این معلومات را از کجا به دست آورده و منابع او چه کتابهایی بوده است. ما منابع کابلی را می‌شناسیم. وی در مقدمه کتاب (ص ۲) برخی از آنها را برشمرده است و آقای قوجه‌زاده نیز در مقدمه خود (ص چهل و سه) فهرست کامل‌تری به دست داده است، اما از این کتابها چنین «تواریخی» حاصل نمی‌شود، هرچند برخی از این کتاب منابع مستقیم کابلی نیز نبوده‌اند و او با واسطه از آنها استفاده کرده است. مثلاً یک‌بار (ص ۱۱۳) از کتاب اسامی مشایخ فارس نوشته ابن خفیف شیرازی (درگذشت ۳۷۱ق) نقل قول می‌کند. نام درست این کتاب *المشیخه* و متضمن معرفی مشایخی بوده است که ابن خفیف از آنان سماع حدیث کرده بود و آن نام را جامی برای آن کتاب تراشیده و کابلی هم مطالب خود را از *نفحات الانس* (ص ۵۸) برداشته است. یا مکرر از «تاریخ امام الیافعی» نقل قول می‌کند (ص ۱۲۳، ۱۴۱، ۴۲۱) که از منابع جامی بوده و کابلی کتاب یافعی را در اختیار نداشته است.

باری برخی اطلاعاتی که نویسنده ما در خصوص تاریخ وفات یا سالهای زندگانی اصحاب ترجمه کتاب خود به دست می‌دهد، در منابع او نیست و از مآخذ دیگر هم به دست نمی‌آید و همین امر *تذکرة التواریخ* را در میان این نوع از کتابها از

لونی دیگر کرده است و اگر آنچه کابلی می‌گوید درست باشد، هم ابهاماتی از تاریخ ادب فارسی و تاریخ صوفیه برطرف می‌شود و هم بطلان برخی از پژوهشهایی که در زمینه سالهای زندگانی بعضی از رجال ادب فارسی انجام پذیرفته است، آشکار می‌شود. نگارنده برای محک زدن صحت و سقم گفته‌های کابلی از طبقه دوم و سوم کتاب گروهی از متصوفه و شاعرانی را که تا حدود سال ۸۵۰ق می‌زیسته‌اند، برگزید و شرح حال آنان را در *تذکره‌التواریخ* با منابع دیگر سنجید؛ نتیجه این بود که کابلی زندگینامه اغلب این افراد را به عین لفظ و گاه با تلخیص از دو کتاب *نفحات‌الانس* و *تذکره‌الشعرا* دولت‌شاه اقتباس کرده است و گاهی نکاتی هم از تاریخ‌گزیده به آنها افزوده است، ولی به هنگام ذکر تاریخ وفات آنان راه دیگری می‌رود و اطلاعات ارائه می‌کند که از هیچ مأخذی به دست نمی‌آید. برای نمونه به مواردی از اختلافات *تذکره‌التواریخ* با دو مأخذ مهم آن یعنی *نفحات‌الانس* جامی و *تذکره‌الشعرا* دولت‌شاه توجه شود:

کابلی	جامی
- ص ۱۰۱: پنجشنبه، اول رجب ۲۰۰	- ص ۳۵: معروف کرخی: ۲۰۰
- ص ۱۰۶: پنجشنبه، ۱۰ ذی‌حجه ۲۲۰	- ص ۴۴: فتح موصلی: عید اضحی ۲۲۰
- ص ۱۰۵: سه‌شنبه، ۲۲ رمضان ۲۳۷	- ص ۶۳: حاتم اصم: ۲۳۷
- ص ۱۱۰: پنجشنبه اول رمضان ۲۹۷	- ص ۷۹: جنید بغدادی: ۲۹۷
- ص ۱۲۸: سه‌شنبه، جمادی‌الثانی ۳۳۰	- ص ۱۳۱: ابویعقوب نهرجوری: ۳۳۰
- ص ۱۱۰: دوشنبه سوم ربیع‌الثانی ۲۴۱	- ص ۱۵۲: ابوالعباس حمزه بن محمد: ۲۴۱
- ص ۱۲۹: پنجشنبه شعبان ۳۲۲	- ص ۱۸۱: ابوبکر کتانی: ۳۲۲
- ص ۱۱۶: یکشنبه اول محرم ۳۵۰	- ص ۲۰۴: ابوبکر دینوری: ۳۵۰
- ص ۱۱۲: پنجشنبه اواخر ذی‌حجه ۳۲۱	- ص ۲۰۵: ابوعلی رودباری: ۳۲۱

کابلی	دولت‌شاه
ص ۲۴۵: سه شنبه ۴ شوال ۵۴۷	ص ۶۹: انوری: شهور سنه ۵۴۷
ص ۲۴۷: شب جمعه ۶ رجب ۵۶۹	ص ۸۱: سوزنی سمرقندی: شهور سنه ۵۶۹
ص ۲۶۰: سه شنبه ۱۲ شوال ۵۹۸	ص ۸۹: ظهیرفاریابی: شهور سنه ۵۹۸
ص ۳۰۲: جمعه ۹ محرم ۸۱۶	ص ۲۴۱: لطف الله نیشابوری: شهور سنه ۸۱۶
ص ۳۰۴: یکشنبه ۴ شعبان ۸۳۹	ص ۲۹۳: کاتبی نیشابوری: شهور سنه ۸۳۹
ص ۳۰۴: دوشنبه ۱۵ ربیع‌الثانی ۸۵۳	ص ۳۱۹: بابا سودایی: شهور سنه ۸۵۳

اینک باید پرسید: کابلی این روزها و ماهها را که در مآخذ او نیست از کجا آورده است؟ شاید گمان برود که وی شرح احوال این افراد را از نفعات و تذکرة الشعرا و تاریخ درگذشت آنان را از مآخذی دیگر برگرفته است. این تصور البته نادرست است، زیرا سال وفات برخی از این افراد در منابع دیگر به اختلاف ذکر شده است و اگر مآخذ کابلی در این خصوص تغییر کرده باشد، ناگزیر باید مواردی از این اختلافات در تذکرة التوارىخ نیز دیده شود، پس چرا سالهای درگذشت در همه موارد مطابق نفعات و تذکرة الشعرا است ولی روزها و ماههایی اضافه دارد؟

به گمان بنده این روزها و ماهها ساخته و پرداخته کابلی است و پایه و اساسی ندارد. وی زمانی که تاریخ درگذشت کسی را به طور ناقص به دست می‌دهد، مثلاً می‌گوید فلانی در غرة شعبان فلان سال درگذشت، جعلی بودن آن آشکار نمی‌شود، اما وقتی که تاریخی را به طور کامل به روز هفته و روز ماه ذکر می‌کند؛ بخیه بر روی کار می‌افتد و ساختگی بودن «توارىخ» او معلوم می‌شود. برای نمونه اول رجب

۲۰۰ (معروف کرخی) دوشنبه بوده است نه پنجشنبه؛ و ۱۰ ذیحجه ۲۲۰ (فتح موصلی) یکشنبه بوده است نه پنجشنبه؛ و به همین ترتیب ۲۲ رمضان ۲۳۷ (حاتم اصم). جمعه، اول رمضان ۲۹۷ (جنید بغدادی). دوشنبه، سوم ربیع‌الثانی ۲۴۱ (ابوالعباس حمزه). چهارشنبه، اول محرم ۳۵۰ (ابوبکر دینوری). چهارشنبه، ۴ شوال ۵۴۷ (انوری). جمعه، ۶ رجب ۵۶۹ (سوزنی سمرقندی). یکشنبه، ۱۲ شوال ۵۹۸ (ظهیرفاریابی). جمعه، ۹ محرم ۸۱۶ (لطف‌الله نیشابوری). سه‌شنبه، ۴ شعبان ۸۳۹ (کاتبی نیشابوری). چهارشنبه، ۱۵ ربیع‌الثانی ۸۵۳ (بابا سودایی) شنبه بوده است. اختلاف با آنچه کابلی می‌گوید گاه تا چهار روز است. علاوه بر این قراین فراوان دیگری بر بی‌پایه بودن تاریخهای تذکرة‌التواریخ وجود دارد که پرداختن به آنها صفحاتی بیشتر از خود کتاب را طلب می‌کند، ولی از آنجا که ممکن است کسانی به این کتاب استناد کنند و جعلیات کابلی به پژوهشهای جدید وارد شود، نویسنده لازم می‌بیند مواردی دیگر را متذکر شود.

یکی از بر ساخته‌های کابلی در زندگینامه ابوعلی حسین بن محمد آگار از متصوفان قدیم فارس است. مأخذ کابلی، *نفحات‌الانس جامی* (ص ۲۵۹) و مأخذ جامی نیز، بی‌آنکه به آن تصریح کند، *شمال‌الازار* جنید شیرازی بوده است. از این روی بهتر است نخست منتخبی از گفتار جنید را درباره آگار بیاوریم:

صحبَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ [مراد ابن خفیف شیرازی است] و سَافَرَ... و تَأَدَّبَ بِصُحْبَتِهِ الشَّيْخُ الْمُرْشِدُ ابُو اسْحَقَ الْكَازِرُونِيُّ... و تُوُفِيَ سَنَهُ... و ثَلَاثَمِائَةٍ و دُفِنَ بِبَابِ مَرْقَدِ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ حِذَاءَ وَجْهِهِ (جنید شیرازی، *شمال‌الازار*، ص ۴۹).

علامه قزوینی (ص ۴۹ حاشیه) که در تصحیح *شمال‌الازار* سه نسخه در اختیار داشته است، در خصوص سال وفات آگار می‌نویسد: «جای آحاد و عشرات در هر سه نسخه سفید است.»

بی‌تردید اگر چند نسخه دیگر از *شمال‌الازار* به دست آید، باز جای آحاد و عشرات

تاریخ درگذشت آگار، که بی گمان جنید از آن بی اطلاع بوده، سفید خواهد بود. دلیل بر این مدعا یکی آن است که عیسی پسر جنید کتاب پدرش را به فارسی ترجمه کرده و نامش را *ملتمس الاحباء* گذاشته که بیشتر به *تذکره هزار مزار* معروف است. وی که به احتمال قریب به یقین دستنوشته پدرش را به هنگام ترجمه پیش چشم داشته درباره تاریخ درگذشت آگار می گوید: «... و شیخ حسین آگار در سیصد و چیزی درگذشت» (عیسی بن جنید، *تذکره*، ص ۹۲). نسخه ای از *شدالازار* نیز در دست جامی بوده، او (*نفحات*، ص ۲۶۰) نیز می گوید: «و شیخ حسین بعد از ثلاثمائه از دنیا برفت.» نسخه ای از *شدالازار* در اختیار معصوم علی شاه بوده و او (*طرائق*، ج ۲، ص ۴۹۶) نیز می گوید: «آگار بعد از سیصد از دنیا برفته»، اما کابلی که مأخذش، *نفحات الانس* بوده، به اتکای قوه خیال، کاستی این کتابها را برطرف می کند و می گوید:

از اصحاب شیخ ابو عبدالله خفیف است و شیخ ابواسحاق کازرونی است. به قضای سبحان... در بیستم شهر شعبان سنه خمسین و ثلاثمائه [۳۵۰] از این کهنه خاکدان ویران به عالم جاویدان انتقال فرموده و تربت متبرکش در شیراز بر در روضه شیخ عبدالله خفیف است (کابلی، *تذکره*، ص ۱۳۰).

وی در جعل این تاریخ هوشیاری کافی به خرج نداده و متوجه نبوده است کسی که در سال ۳۵۰ فوت می کند، نمی تواند شیخ ابواسحاق کازرونی باشد که در سال ۳۵۲ به دنیا آمد (محمود بن عثمان، *فردوس*، ص ۱۲، ۴۷۴). زرکوب شیرازی (*شیرازنامه*، ص ۱۴۱) سال وفات او را ۳۹۱ نوشته است.

کابلی درباره یکی از متصوفه قرن چهارم به نام ابو زرعه اردبیلی که بخش اخیر عمر خود را در شیراز گذرانید و همانجا درگذشت، یک بار (ص ۱۲۴) می گوید: «عمر لطیفش به صدو بیست سال رسید... و در اول صفر ۴۱۵» درگذشت. بار دیگر (ص ۱۶۱) وی را معرفی کرده و حکایتی را از *نفحات الانس* (ص ۳۲۴) راجع به او

آورده و این بار سال وفات او را «صفر ۴۱۵» نوشته است. مأخذ جامی هم شد/الازار جنید شیرازی (ص ۲۲۳) بوده است. جنید و جامی (همانجاها) و زرکوب شیرازی (شیرازنامه، ص ۱۴۴) سال وفات اردبیلی را بدون قید روز و ماه، سال ۴۱۵ نوشته‌اند، و دلیل بر جعلی بودن گفتار کابلی آنکه، سمعانی مروزی که یکی از تاریخهای قدیم فارس نوشته ابو عبدالله قصار (درگذشت حدود ۴۵۰ق) را در اختیار داشته و شرح احوال بعضی از رجال فارس را از آن کتاب به اسم و رسم (سمعانی، انساب، ج ۱، ص ۱۲۳، ج ۲، ص ۱۱۵، ۱۱۶، ۳۱۸...) و گاه بدون اشاره به آن، نقل می‌کند، سال وفات اردبیلی را «روز یکشنبه ۵ رجب ۴۱۵» نوشته است (سمعانی، انساب، ج ۱، ص ۱۰۷) پس آنچه کابلی درباره عمر ۱۲۰ ساله و ماه درگذشت او می‌گوید بی‌اساس است.

حرص و ولع شدید نویسنده به جعل تاریخ موجب گردیده که در همه تاریخهای مذکور در منابع خود دست ببرد و چیزی به آن بیفزاید و به دروغ جعلیات خود را به منابع خود نسبت دهد. برای نمونه سال وفات ابوالحسین همدانی را به نقل از «تاریخ امام الیافعی» شعبان ۴۱۵ نوشته است (ص ۱۲۳) حال آنکه وی مطالب خود را از جامی (ص ۲۷۸) گرفته است. با این حال هم جامی (همانجا) و هم یافعی (مرآة، ج ۳، ص ۲۲) سال وفات همدانی را ۴۱۵ نوشته‌اند و کابلی شعبان را هم به آن افزوده است. یا (ص ۱۴۱) در تاریخ وفات ابوالنجیب سهروردی می‌گوید «امام یافعی رحمه الله علیه در تاریخ خویش چنین ایراد فرموده که به قضای سبحانی و به تقدیر آسمانی به تاریخ روز چهارشنبه پنجم جمادی‌الثانی سنه ثلاث و ستین و خمس مائه [۵۶۳] از این دار بی‌مدار... رحلت نموده». باز در اینجا مأخذش جامی (نفحات، ص ۴۲۱) بوده است. جامی (همانجا) و یافعی (مرآة، ج ۳، ص ۲۸۰) می‌گویند که ابوالنجیب در سال ۵۶۳ درگذشت و ذکری از روز و ماه درگذشت او نمی‌کنند. این نکته نیز گفتنی است که ۵ جمادی‌الثانی سال ۵۶۳ یکشنبه بوده است نه چهارشنبه.

یکی از متصوفه فارس بنداربن حسین شیرازی است که به مناسبت مناظراتی که

با ابوالحسن اشعری داشت در بسیاری از کتابهای رجال معرفی شده است.^۱ در همهٔ مآخذ سال وفات او را بدون اختلاف ۳۵۳ نوشته‌اند، ولی کابلی (تذکره، ص ۱۴۴) که بی‌گمان مأخذش فقط *نفحات الانس* (ص ۲۳۰) بوده می‌گوید: «در غرّه شهر شعبان سنه ثلاث و خمسين و ثلاثمائه... از این دار پریشان نقل نمود.»

نمونهٔ دیگر در زندگینامهٔ ابوالفتح بستی است. دولت‌شاه (تذکره، ص ۲۳) بستی را به اختصار معرفی می‌کند و می‌گوید: «... و ملک عماد زوزنی در تاریخ رحلت او گوید:

شیخ عالیقدر مجدالدین ابوالفتح آنکه بود

مقتدای اهل فضل و سرور اهل کلام

چهارصد با سی چو از تاریخ احمد درگذشت

در مه شوال رحلت کرد تا دارالسلام»

دولت‌شاه به اشتباه گمان برده است که زوزنی این بیتها را در خصوص سال وفات ابوالفتح بستی سروده حال آنکه بستی در سال ۴۰۰ یا ۴۰۱ درگذشت (← تعالبی، یتیمه، ج ۴، ص ۳۴۷؛ سمعانی، *انساب*، ج ۱، ص ۳۴۹) و لقب مجدالدین هم نداشت. با این حال از این بیتها برمی‌آید که مجدالدین نامی در شوال ۴۳۰ درگذشته بوده است. کابلی (ص ۲۴۳) همین بیتها را از *تذکره الشعرا* نقل کرده و می‌گوید: «ابوالفتح بستی به تاریخ دوازدهم شهر شوال سنه ثلاثین و اربعمائه از این محنت آباد... انتقال فرمود.» معلوم نیست که وی «۱۲ شوال» را از کدام بیت بیرون کشیده است؟

کابلی زندگینامهٔ کوتاهی که دولت‌شاه سمرقندی از ابن نصوح به دست داده،

۱. از جمله: ابن عساکر (تنبیین، ص ۱۷۹، که مطالب خود را از *تاریخ الصوفیه سلمی* نقل می‌کند)، سلمی (طبقات، ص ۴۶۷)، انصاری (طبقات، ص ۵۰۱)، ابونعیم اصفهانی (حلیه، ج ۱۰، ص ۳۸۴)، مستوفی (تاریخ، ص ۶۵۶)، ذهبی (سیر، ج ۱۲، ص ۲۵۶)، همو (تاریخ، ج ۲۶، ص ۱۴)، فصیحی خوافی (مجمل، ج ۲، ص ۷۱)، سبکی (طبقات، ج ۳، ص ۲۲۴)، صفدی (وافی، ج ۱۰، ص ۱۸۳)، ابن تغری بردی (نجوم، ج ۳، ص ۳۳۸)، جامی (نفحات، ص ۲۳۱)، شعرانی (طبقات، ج ۱، ص ۱۰۳)، معصوم‌علی‌شاه (طرائق، ج ۲، ص ۴۲۷).

رونویسی کرده است. دولت‌شاه ذکری از تاریخ وفات او نکرده است، اما کابلی (ص ۲۸۸) می‌گوید که «در چهاردهم شعبان ۷۳۷» درگذشت. در حالی که ابن نضوح اشعاری در ستایش شیخ اویس ایلکانی (حک ۷۷۶-۷۸۴ق) دارد و نیز مرثیه‌ای که برای یکی از دوستانش سروده و در آن صریحاً به صفر ۷۸۵ اشاره کرده است. بنابر قول تقی‌الدین کاشی ابن نضوح در سال ۷۹۳ درگذشت (صفا ۱۳۶۶: ۱۱۱۴/۳).

هر اشتباهی که در تذکره دولت‌شاه در خصوص سالهای وفات شاعران هست در تذکره‌التواریخ هم همراه با مشتی اعداد و ارقام دروغین دیگر هست. برای نمونه، دولت‌شاه (تذکره، ص ۶۶) وفات خاقانی را به اشتباه سال ۵۸۲ نوشته است و کابلی (ص ۲۵۵) می‌گوید در ۱۵ محرم ۵۸۲ درگذشت. دولت‌شاه سال وفات سنایی را به اشتباه ۵۷۶ نوشته است و کابلی (ص ۲۴۷) می‌گوید: «روز چهارشنبه پنجم شوال ۵۷۶ درگذشت» که البته ۵ شوال ۵۷۶ یکشنبه بوده است. دولت‌شاه (تذکره، ص ۱۸۸) به اشتباه سال وفات خواجه را «شهور سنه ۷۴۲» نوشته است و کابلی (ص ۲۹۳) روز چهارشنبه ۵ صفر ۷۴۲، که البته ۵ صفر آن سال شنبه بوده است. دولت‌شاه (تذکره، ص ۷۳) می‌گوید رشید وطواط در سال ۵۷۸ درگذشت و «گویند» عمر او ۹۷ سال بود. کابلی (ص ۲۵۴) همین مطلب را که دولت‌شاه با تردید بیان کرده چنین آورده است: «تولد اسعد شریفش در غره رجب المرجب سنه ۴۸۱... و تاریخ وفاتش روز سه‌شنبه ۶ شوال ۵۷۸» بود. یاقوت حموی (معجم، ج ۱۹، ص ۳۰) که زندگینامه مفصلی از رشیدالدین به دست داده است، به طول عمر و سال تولد او اشاره نمی‌کند، بلکه می‌گوید در سال ۵۷۳ در خوارزم درگذشت. دولت‌شاه (تذکره، ص ۹۰) ذکری از تاریخ وفات مجیر بیلقانی نکرده است ولی کابلی (ص ۲۶۱) می‌گوید: مجیر، روز چهارشنبه ۵ رمضان ۶۰۰ درگذشت. ۵ رمضان در آن سال جمعه بوده است و تاریخ فوت مجیر را در منابع دیگر به اختلاف بین سالهای ۵۶۸ تا ۵۹۴ نوشته‌اند و ذبیح‌الله صفا (۱۳۶۶: ۷۲۳/۲) سال ۵۸۶ را درست‌تر دانسته است. دولت‌شاه (تذکره، ص ۹۴)

متذکر تاریخ وفات اثیرالدین اخسیکتی نشده است، ولی کابلی (ص ۲۶۰) که زندگینامه او را از تذکره/الشعرا برداشته است، می‌گوید که در ۵ جمادی‌الثانی ۵۸۹ درگذشت. در منابع دیگر وفات اثیرالدین را در سالهای ۵۷۰، ۵۶۳، ۵۷۷ نوشته‌اند و صفا (۱۳۶۶: ۷۰۹/۲) دو سال ۵۷۰ و ۵۷۷ را ارجح دانسته است.

دولت‌شاه (تذکره، ص ۱۰۰) به اشتباه تاریخ وفات نظامی را سال ۵۷۶ نوشته و کابلی (ص ۲۴۹) می‌گوید: روز جمعه ۴ شعبان ۵۷۶ درگذشت و ۴ شعبان در آن سال چهارشنبه بوده است.

سمعانی (انساب، ج ۱، ص ۱۰۳) به نقل از الاکمال لمعرفة الرجال بسمرقند نوشته ابو‌عبدالرحمن ادریسی استرآبادی سال وفات رودکی را ۳۲۹ نوشته است که تاریخی قابل اعتماد است. زیرا ادریسی از طایفه محدثان بود و این طایفه در ضبط تاریخ حیات اشخاص کتاب خود از دقت فوق‌العاده و قابل تحسین برخوردار بوده‌اند. گذشته از این، ادریسی نزدیک به عصر رودکی می‌زیست و در سال ۴۰۵ درگذشت. اما کابلی (ص ۲۴۱) سال درگذشت رودکی را «ماه مبارک رمضان ۳۱۰» نوشته است که به کلی بی‌اساس و جعلی است.

بیشتر ملاحظه شد که کابلی هرگاه تاریخ دقیقی برای وفیات جعل می‌کند، علی‌العموم نادرست از آب درمی‌آیند، لذا گاهی راه دیگری پیش می‌گیرد و آن به دست دادن تاریخهای ناقص است که امکان محک‌زدن آنها نباشد. برای نمونه به موارد زیر که مأخذش دولت‌شاه بوده است توجه شود:

کابلی	دولت‌شاه
- ص ۲۸۲: اول شوال ۷۱۳	- ص ۱۶۴: همام تبریزی: شهر سنه ۷۱۳
- ص ۲۹۵: روز چهارشنبه، شهر شوال ۷۲۴	- ص ۲۰۵: یمین‌الدین طغرایبی: شهر سنه ۷۲۴

۷۴۵ - ص ۲۰۷: ابن یمین: شهور سنه ۷۴۵	۷۴۵ - ص ۲۹۵: دوشنبه، شهر رمضان ۷۴۵
۷۴۵ - ص ۲۰۷: ابن یمین: شهور سنه ۷۴۵	۷۴۵ - ص ۲۹۵: روز دوشنبه، شهر رمضان ۷۴۵

یکی از شعرای گمنام که نخستین بار دولت‌شاه (تذکره، ص ۱۳۹) او را معرفی کرده، عبدالقادر نائینی است. دولت‌شاه اطلاع چندانی از وی نداشته فقط می‌گوید: «از اقران شیخ سعدی است و مردی تارک بوده و همواره بر قناعت روزگار گذرانیدی.» و پس از توضیحی درباره پنبه نرم نائین، غزلی پنج‌بیتی از وی آورده است. نائینی را چند تذکره نگار دیگر نیز معرفی کرده‌اند^۱ و همگی عین توضیح دولت‌شاه را به اختصار نقل کرده‌اند و پیداست که مأخذی جز دولت‌شاه نداشته‌اند. این تذکره‌نگاران نیز سال وفات وی را مثل دولت‌شاه ننوشته‌اند. اما کابلی (ص ۲۷۹) پس از نقل گفتار دولت‌شاه می‌گوید: «و به قضای قادر غیب‌دان در بیست‌وهفتم ماه رمضان سنه احدی و سبعمائه [۷۰۱] از این غم آباد... انتقال فرمود.» ای کاش روز و هفته ماه رمضان را (که بیش از اندازه این ماه را در تاریخهای ساختگی خود مصرف می‌کند) مشخص می‌کرد تا جعلی بودن تاریخش روشن شود.

دولت‌شاه (تذکره، ص ۳۸) سال وفات عنصری را ۴۳۱ نوشته است که به منابع دیگر هم راه یافته است. اما کابلی (ص ۲۴۴) می‌گوید که عنصری در سال ۳۵۰ به دنیا آمد و ۸۱ سال زیست و در «۲۶ رمضان ۴۳۱» درگذشت. شاید کسانی مقهور و مبهوت این اعداد و ارقام شوند و آنها را واقعی بیندارند، ولی حقیقت امر جز این است؛ این اعداد را کابلی جعل کرده و هیچ پایه و اساسی ندارند.

بیشتر اشاره شد که تاریخ‌گزیده یکی دیگر از منابع کابلی بوده است؛ لذا مناسب است که به مواردی از اقتباسهای کابلی از این کتاب هم بپردازیم:

ناصرخسرو، چنان‌که خود می‌گوید، در سال ۳۹۴ ق به دنیا آمده است

۱. از جمله: خوشگو، سفینه، ج ۲، ص ۴۶۸؛ اوحدی بلیانی، عرفات، ج ۵، ص ۲۵۸۶ (با نسبت نادرست قایمی)؛ صبا، تذکره، ص ۵۲۶؛ واله داغستانی، ریاض، ج ۱، ص ۸۹۱.

(ناصرخسرو، دیوان، ص ۱۷۳) و بنابر پژوهشهای سید حسن تقی‌زاده (مقدمه، ص ۵۰) در سال ۴۸۱ق درگذشته است. کابلی زندگینامه او را از درآمیختن گفتار مستوفی (تاریخ، ص ۷۵۳) و دولت‌شاه سمرقندی (تذکره، ص ۴۹) پرداخته است. مستوفی (همانجا) می‌گوید که ناصرخسرو در ۳۵۸ به دنیا آمد و «صد سال» عمر کرد و کابلی (ص ۲۴۹) می‌نویسد که ناصرخسرو در «رمضان ۳۵۸» به دنیا آمد و در «۱۰ صفر ۴۵۸» درگذشت. پیداست که رمضان و صفر از برساخته‌های اوست و اساسی ندارد. مستوفی (تاریخ، ص ۷۵۲) در معرفی نجم‌الدین زرکوب تبریزی می‌گوید: «معاصر ابقاخان [۶۶۳-۶۸۰ق] بود و ارغون‌خان [۶۸۳-۶۹۰ق]، اشعار خوب دارد» و دو بیت از او نقل می‌کند. اما کابلی (ص ۲۹۹) همین چند کلمه مستوفی را با مشت‌خیالبافی به چندین سطر رسانیده و تاریخ وفاتی هم برای نجم‌الدین ساخته است: «به تقدیر سبحان در هفدهم رمضان سنه ثمانین و سبعمائه [۷۸۰] از این کهنه خاکدان...رحلت فرمود.» در حالی که حافظ حسین کربلایی (روضات، ج ۱، ص ۴۲۰) سال وفات نجم‌الدین را از لوح مزار او «۱۵ رجب ۷۱۲» نقل کرده است که با گزارش مستوفی که نجم‌الدین را معاصر دو ایلخان سابق‌الذکر نوشته، سازگار است.

مستوفی (تاریخ، ص ۶۶۵) به اشتباه می‌گوید که ابوالعلا عطار همدانی در سال ۵۶۰ق درگذشت و کابلی (ص ۱۴۱) که کنیه او را ابوعلی ضبط کرده «سه‌شنبه چهارم شهر شعبان» را نیز به این تاریخ افزوده که جعلی است. ابوالعلا حسن‌بن احمد همدانی معروف به عطار یکی از مشهورترین حفاظ حدیث و عالمان علم قرائت در قرن ششم و صاحب تألیفات فراوان است و در بسیاری از کتابهای رجال از وی یاد می‌شود. وی روز شنبه ۱۴ ذی‌حجه ۴۸۸ به دنیا آمد و در شب پنجشنبه ۱۹ جمادی‌الاول ۵۶۹ درگذشت (ابن جزری، غایه، ج ۱، ص ۲۰۶؛ یاقوت، معجم، ج ۸، ص ۵۲-۵۵، که سال وفاتش به اشتباه ۵۹۹ چاپ شده، یعنی تسعین به جای ستین).

مستوفی (تاریخ، ص ۶۳۲) می‌گوید که محمد واسع در سال ۱۲۰ق درگذشت و کابلی (ص ۱۰۳) «یکشنبه ۴ جمادی‌الآخر» را به این تاریخ افزوده که از بر ساخته‌های اوست و ۴ جمادی‌الآخر در آن سال پنجشنبه بوده است.

به نظر می‌رسد پرداختن به تذکرةالتواریخ همین مقدار کفایت کند. این کتاب آکنده از تاریخهای جعلی و دروغ‌پردازیهای مؤلف آن است و آنچه گفته آمد مشتبی بود از خروار. نگارنده با نگاهی به بخشهای دیگر کتاب همین تاریخ‌سازها و مهملات را مشاهده کرد. برای نمونه، کابلی (ص ۴۳۴) می‌گوید محمود غزنوی «شب شنبه غره محرم‌الحرام سنه ۳۶۱» به دنیا آمد و «روز یکشنبه، وقت نماز عصر، ۲۲ شعبان ۴۲۱» درگذشت. در حالی که محرم سال ۳۶۱ با روز سه‌شنبه آغاز می‌شده و ۲۲ شعبان ۴۲۱ نیز سه‌شنبه بوده است. بنابر گزارش منابع معتبر محمود شب عاشورای سال ۳۶۱ق به دنیا آمد و روز پنجشنبه ۲۳ ربیع‌الآخر ۴۲۱ درگذشت (گردیزی، تاریخ، ص ۴۸۹؛ ابن بابه، رأس، ص ۲۵۹، که از قسمتهای گم‌شده تاریخ بیهقی نقل قول می‌کند) در خور ذکر است که در بعضی منابع، تاریخ فوت محمود را جمادی‌الاول ۴۲۱ نیز نوشته‌اند (← فارسی، تاریخ، ص ۶۸۱) که درست نیست و به پیروی از نوعی تاریخ‌گذاری است که گاه حادثه‌ای را که در روزهای پایانی یک ماه یا یک سال اتفاق می‌افتاد، با کمی تسامح تاریخ آن را در ماه بعد یا سال بعد ثبت می‌کردند.

کابلی (ص ۴۴۶) تاریخ وفات ابوبکر بن سعد (ممدوح سعدی) را ۱۴ محرم ۶۶۷ نوشته است، ولی به گفته همه مورخان و از جمله خواجه رشیدالدین مورخ معاصر ابوبکر، او در ۵ جمادی‌الآخر سال ۶۵۸ درگذشته است (← قزوینی ۱۳۶۳: ۳/ ۵۶۲) یا (ص ۴۲۷) می‌گوید قطب‌الدین آیبک (یکی از فرمانروایان هند) در «شوال ۶۲۱» درگذشت. اما مورخ معاصر او، منهاج سراج (طبقات، ج ۱، ص ۴۱۷) می‌گوید: وی در «شهور سنه ۶۰۷» در میدان چوگان از اسب به زمین افتاد و کشته شد (نیز: بدائونی، منتخب، ج ۱ ص ۳۷).

ذکر برخی از اشتباهات عجیب و غریب این کتاب شاید خالی از فایده نباشد. کابلی (ص ۱۱۱) می‌گوید که خیر نسّاج در «اول شعبان ۱۷۹» به دنیا آمد و در «سه‌شنبه ۱۴ شوال ۲۹۹» درگذشت. معلوم نشد که وی این اعداد و ارقام را از کجا به دست آورده است. موافق تمام منابع قدیم، محمدبن اسماعیل معروف به خیر نسّاج در سال ۳۲۲ درگذشته است (خطیب بغدادی، تاریخ، ج ۸، ص ۳۲۲) و نوشته‌اند که ۱۲۰ سال عمر کرد. ظاهراً اعداد ۱۷۹ و ۲۹۹ از همین سخن متولد شده است. در صفحه ۱۱۵ می‌گوید که ابوعبدالله خفیف در سال ۳۳۱ ق درگذشت حال آنکه به گفته دیلمی (سیرت، ص ۲۱۸) ابن خفیف در سال ۳۷۱ ق درگذشته است. در صفحه ۲۵۲ در «تاریخ وفات شهاب‌الدین ادیب صابر» می‌گوید: «دانشمند ماهر و سخنور فاضل و شاعر کامل بوده، در صنایع و علم شعر، نسخه‌ای از وی مفیدتر هیچ‌کس نپرداخته (کذا) و چند نسخه دیگر در فن شعر و انشا تصنیف نموده و ترجمه صد کلمه شاه اولیا علی مرتضی را — کرم‌الله وجهه — به‌غایت نیکو و موجز نوشته» این عبارات بخشی از زندگینامه رشید وطواط و نقلی ناقص از دولتشاه (تذکره، ص ۷۳) است.

کابلی در ذکر تواریخ گاه چنان یرت و بی‌خبر می‌نماید که موجب شگفتی می‌شود. مثلاً (ص ۲۵۸) می‌گوید عطار در «فترات چنگیز خان به دست کفار تبار اسیر شده» و در ۱۰ شعبان ۵۸۶ به درجه شهادت رسید! یا (ص ۲۷۷) می‌گوید: سعدی در ۱۰ رمضان ۵۷۱ به دنیا آمد و پس از عمری ۱۲۰ ساله در روز جمعه اول شوال ۶۹۱ درگذشت، که البته اول شوال آن سال دوشنبه بوده است.

این بررسی را با نگاهی به زندگینامه فردوسی در *تذکرة التوارخ* به پایان می‌بریم. شرح احوال فردوسی در این کتاب تلفیقی است از مطالب *تذکرة الشعرا* (تذکره، ص ۴۱، ۴۳) و مقدمه بایسنغری (← ریاحی ۱۳۷۲: ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۰۰) و تاریخ گزیده (ص ۷۴۳) و مطلب جدیدی ندارد مگر چند تاریخ درباره سالهای زندگانی فردوسی. کابلی (ص ۲۴۱-۲۴۳) می‌گوید فردوسی در «شهور سنه ۳۳۱» به دنیا آمد و ۸۵

سال زیست و در «ماه رجب سنه عشر و اربعمائه» درگذشت که تاریخ اخیر باید به «ست عشر و اربعمائه» اصلاح شود (۴۱۶ = ۸۵ + ۳۳۱).

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، در هیچ یک از منابع قدیم مطلقاً ذکری از تاریخ تولد فردوسی نشده است (نیز ← آیدنلو ۱۳۹۰: ۴۲). در قرن نوزدهم پس از تحقیقات ژول مول سال ۳۲۹ برای تولد فردوسی اثبات و تقریباً تثبیت شد. اما سال ۳۳۱ احتمالاً استنباطی است از چند بیت شاهنامه آنجا که فردوسی در ستایش محمود غزنوی می گوید:

بدان‌گه که بُد سال پنجاه و هشت	نوان تر شدم چون جوانی گذشت
خروشی شنیدم ز گیتی بلند	که اندیشه شد تیز و تن بی‌گزند
که ای نامداران و گردنکشان	که جست از فریدون فرخ نشان؟
فریدون بیداردل زنده شد	زمان و زمین پیش او بنده شد...

(فردوسی، شاهنامه، ۴/۱۷۲/۴۳-۴۶)

از این بیتها چنین برمی آید که روی کار آمدن محمود مصادف با ۵۸ سالگی فردوسی بوده است. اما پرسش اینجاست که آغاز فرمانروایی محمود در چه سالی بود؟ پس از آنکه سبکتکین در شعبان ۳۸۷ درگذشت، حکومت را به فرزندش اسماعیل سپرد. اما سپاهیان او شورش کردند و محمود نیز با اسماعیل از در جنگ درآمد و او را اسیر و زندانی ساخت. اما پس از جنگ مرو بود که در ۲۶ جمادی‌الاول ۳۸۹ محمود به نام خود و القادر بالله (۳۸۱-۴۲۲ق) خطبه خواند و از جانب خلیفه خلعت و منشور فرمانروایی دریافت کرد.

اگر فردوسی سال ۳۸۷ را مصادف با ۵۸ سالگی خود می دانسته تولد او در سال ۳۲۹ و اگر سال ۳۸۹ را منظور داشته تولد او مطابق ضبط تذکره‌التواریخ در سال ۳۳۱ بوده است. خالقی مطلق (۱۳۸۹: ۱/ ۱۶۲) معتقد است که فردوسی سال ۳۸۷ را در نظر داشته زیرا به رسمیت شناختن پادشاهی اسماعیل عملاً یعنی غاصب

دانستن محمود. این نظر منطقی و معقول است و منهاج سراج (طبقات، ج ۱، ص ۲۲۹) نیز می‌گوید که محمود در ۳۸۷ در بلخ به پادشاهی نشست. بنابراین همچنان سال ۳۲۹ برای تولد فردوسی از قوت بیشتری برخوردار است (نیز ← آیدنلو ۱۳۹۰: ۴۹). سال ۴۱۶ برای درگذشت فردوسی، روایت حمدالله مستوفی است اما «ماه رجب» بدون کمترین تردید مثل دهها نمونه دیگر از افزوده‌های کابلی و ساختگی است و عدد ۸۵ نیز پس از کسر عدد ۳۳۱ از ۴۱۶ به دست آمده است که این هم چنان‌که آمد، مبنای استواری ندارد. نگارنده پس از نقد و بررسی یکی از روایات چهارمقاله به این نتیجه رسیده است که فردوسی در یکی از ماههای ربیع‌الثانی یا جمادی‌الاول سال ۴۱۶ درگذشته است (نحوی ۱۳۹۰: ۱۸۵-۲۲۰).

منابع

- آیدنلو، سجاد، ۱۳۹۰، دفتر خسروان، تهران، سخن.
- ابن بابیه، ابوالعباس احمد بن علی، رأس مال الندیم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
- ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، مصر، [بی‌تا].
- ابن جزری، غایة النهایه فی طبقات القراء، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۲ق.
- ابن عساکر، تبیین کذب المفتری، دمشق، ۱۳۴۷ق.
- ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، بیروت، دارالکتب العربیه، ۱۴۰۷ق.
- ابی یعلی، حسین بن محمد، طبقات الحنابلہ، بیروت، دارالمعرفه، [بی‌تا].
- اوحدی بلیانی، عرفات العاشقین، تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخر احمد، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۹ش.
- بدائونی، عبدالقادر، منتخب‌التواریخ، تصحیح مولوی احمدعلی صاحب، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰ق.
- تقی‌زاده، حسن، مقدمه بر دیوان ناصر خسرو ← ناصر خسرو.
- ثعالبی، ابومنصور، یتیمه الدهر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق.
- جامی، عبدالرحمن، نفحات الانس، تصحیح محمود عابدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۰ق.

- جنید شیرازی، *شدالازار*، تصحیح محمد قزوینی، تهران، مجلس، ۱۳۲۸ق.
- حافظ حسین کربلایی، *روضات الجنان و جنات الجنان*، تصحیح جعفر سلطان‌القرایی، تبریز، ستوده، ۱۳۸۳ق.
- خالقی مطلق، جلال، ۱۳۸۹، *یادداشت‌های شاهنامه*، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العلمیه، [بی تا].
- خوشگو، سفینه خوشگو، تصحیح سید کلیم اصغر، تهران، مجلس، ۱۳۶۲ش.
- دولتشاه سمرقندی، *تذکره الشعرا*، به همت محمد رمضانی، تهران، خاور، ۱۳۳۸ش.
- دیلمی، ابوالحسن، *سیرت شیخ کبیر ابو عبدالله بن خفیف شیرازی*، تصحیح ا. شمیل طاری، تهران، بابک، ۱۳۶۳ش.
- ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- ذهبی، *تاریخ الاسلام*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ق.
- ریاحی، محمدمین، ۱۳۷۲، *سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زرکوب شیرازی، *شیرازنامه*، شیراز، دانشنامه فارس، ۱۳۹۰ش.
- سبکی، *طبقات الشافعیه الکبری*، بیروت، داراحیاء الکتب العربیه، [بی تا].
- سلمی، ابو عبدالرحمن، *طبقات الصوفیه*، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۴۱۸ق.
- سمعانی، الانساب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- شعرانی، *عبدالوهاب، الطبقات الکبری*، مصر، ۱۳۱۵ق.
- صبا، *تذکره روز روشن*، تهران، کتابخانه رازی، ۱۳۴۳ش.
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۶۶، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران، فردوس.
- صفدی، صلاح‌الدین خلیل بن ایبک، *الوافی بالوفیات*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۱ق.
- عیسی بن جنید شیرازی، *تذکره هزار مزار*، تصحیح عبدالوهاب نورانی وصال، شیراز، کتابخانه احمدی، ۱۳۶۴ش.
- فارسی، عبدالغافر، *تاریخ نیشابور*، تصحیح محمدکاظم محمودی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
- فردوسی، ابوالقاسم، *شاهنامه*، به تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی،

- ۱۳۸۶ش.
- فصیحی خوافی، مجمل فصیحی، تصحیح محمود فرخ، مشهد، ۱۳۴۱ش.
- قزوینی، محمد، ۱۳۶۳، مقالات، گردآورده ع. جریزه دار، تهران، اساطیر.
- کابلی، عبدالله، تذکرة التوارىخ، تصحیح علیرضا قوجه زاده، تهران، مجلس، ۱۳۹۲ش.
- گردیزی، عبدالحی، تاریخ گردیزی، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ش.
- گلچین معانی، احمد، ۱۳۴۸، تاریخ تذکرة های فارسی، تهران، دانشگاه تهران.
- مالینی، ابوسعید، کتاب الاربعین فی شیوخ الصوفیه، بیروت، دارالبشائر، ۱۴۱۷ق.
- محمودبن عثمان، فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه، تصحیح ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ش.
- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
- معصوم علی شاه، طرائق الحقایق، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران، سنایی، [بی تا].
- منهاج سراج، طبقات ناصری، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ش.
- ناصر خسرو، دیوان، به تصحیح مجتبی مینوی، تهران، دنیای کتاب، [بی تا].
- نحوی، اکبر، ۱۳۹۰، «نقد روایتی از چهارمقاله درباره زندگانی فردوسی»، مجله جستارهای ادبی، س ۵۴، ش ۳، پاییز.
- نقوی، علیرضا، ۱۳۴۳، تذکرة نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران، علمی.
- واله داغستانی، تذکرة ریاض الشعراء، تصحیح ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۱ش.
- ووستنفلد و ماہلر، ۱۳۶۰، تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی، تهران، فرهنگسرای نیاوران.
- یافعی، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- یاقوت حموی، معجم الادبا، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [بی تا].

